

۲۰۱۳/۰۱/۰۳

دوکتور صلاح الدين سعیدی - سعید افغانی

خطاب به پارلمان و مسئولین دست اول کشور!

همه روزه در مطبوعات کشور مطالب را می‌شنویم که با شنیدن بخش ازین مطالب و مواضع چنین برداشت، تصور و اطمینان حاصل می‌شود که گویا در کشور ما در زمام امور قحط الرجال است و یا کار به اهل کار سپرده نه شده و همین هم یکی از دلایل عمده ادامه تراژیدی و عامل ادامه رنج و عذاب ملت ما و موجودیت خطر صلح جهانی در منطقه می‌گردد. به یقین در داخل و خارج کشور و حتی در نظام حاکم؟! در افغانستان افراد و شخصیت های وجود دارند که هم مشکل را میدانند و هم راه حل آنرا. اما در سیستمی قرار دارند که در صورت قد علم کردن در برابر آن، مشکل این شخص اضافه شده و حد اقل و در حالت خوب از سیستم زنده و سالم افزای خواهد شد.

در تاریخ پُر تلاطم بیشتر از سه دهه اخیر کشور مسایل زیاد است با دید دوباره به نواقص و خطای آن متوجه شده و آنرا حد اقل غیر قابل قبول میدانیم. اما ما در حال قرار داریم و باید به آن متمرکز شد. گذشته را نه خریده می‌توانیم، نه پاک کرده می‌توانیم و نه هم تغییر داده می‌توانیم. حال و آینده مطرح است. درین حال و آینده مسایل زیاد اند که باید بهتر و اصلاً شود اما عوض عام گویی های به دو موضوع مشخص حاضر مانند مشت نمونه خروار مختصراً متمرکز می‌شوم:

رئیس جمهور، وزیر، والی و یا شخص دست اول پست سیاسی و اداره در حکومت شخص جامع الکملات نیست و بوده نمی‌تواند. متخصصین فن در رشته های مختلف مطالب را چوکات بندی کرده و در اختیار شخص اول قرار میدهند و شخص اول اداره مانند اتوریتیه سیاسی و مشروع در چوکات آن تدابیر گرفته، موضع می‌گیرد و حرکت میکند.

مشخص تر: شخص اول کشور قبل از دیدار با گروهی (مثلاً ملاقات چند روز قبل جناب حامد کرزی با دکانداران سرای حریق شده در کابل) و یا شخص با متخصصین فن (کم و بیش ۱۰۰ مشاور وزیر) نشسته مطرح میکند: با کی ها ملاقات دارد؟ چه مسایل مطرح خواهد شد؟ چه می‌خواهند؟ و من (ما) چه کرده می‌توانیم؟

جناب حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان با دکانداران مذکور چند روز قبل نشست داشت و وعده ها، سفارش ها و هدایات داد که در دولت داری به این نحو برخورد غیر دقیق و قابل قبول نیست. مثال می آورم:

تکس و مالیه، اندازه، تعلیق و معافیت و عدم معافیت آن باید در قانون ذکر باشد و است. هیچ مرجع به جز از مرجع قانون گذاری درین راستا حق تصرف را به شمول رئیس جمهور، بدون تصویب قانون (مانند کلید) ندارد.

اصول دادن قرضه به تاجر، بانک و بانکداری شرایط آن روشن است. مداخله خارجی به صورت غیر ستندرد به حالت کابل بانک منجر میشود و این مجاز نیست.

مسأله نورم و ستندرد در مسایل امنیتی حریق و بیمه (انشورنس) و تدابیر مربوط مانند کلید سازی را باید روی کار کرد. اگر شخص اول کشور کار مدیر مبارزه با حوادث غیر طبعی و مدیر بانک را اجرا کند، این روش خوب دولنداری نیست. و.....

مسأله دوم خبر عدم آگاهی شکایت سناتوران (پارلمان و شورای صلح) و مسئولین دست اول جانب افغانی از وظایف و استقامت اساسی کار شان است. عوض کار کلیدی تلاش دارند به امور خورد و ریزه متمرکز شده، کمیسیون های پارلمانی به عوض مراجع عدلی و قضایی به عوض کلید سازی به حل و تصمیم گیری روی قضایای انفرادی مانند منازعات تصرف زمین بین دوشرکت و نشست های دارند و درین اواخر سناتوران افغان شکایت دارند که از رهایی (۸ تا ۱۰ شخصیت) رهبر حرکت طالب به شمول ملا برادر از جانب پاکستان آگاهی ندارند.

دپانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

در پاکستان بیشتر از ۷۰ هزار مدرسه دینی وجود دارد که مراجع دولتی پاکستان در آن امکانات وسیع دارند و هر زمانی که خواسته باشند، صدها شخصیت و مرد جنگی و مدیر مانند آقای ملا برادر، روی دست گرفته می‌توانند و پاکستان درین پرچون فروشی و ایجاد مشکل برای مردم افغانستان، مردم مظلوم منطقه و خطر صلح جهانی تجربه کافی دارد. قرار تمام شواهد پالیسی سازان پاکستان نه پروای اسلام و نه هم حقوق بشر و آزادی را دارند، بلکی برای تحقق اهداف خویش منتظر وقت مناسبتر و سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴م) اند. پاکستان جیب پُر میکند و تجارت به خون و باروت از جانب حکام نظامی و پالیسی سازان اصلی پاکستان و افراد شریر ادامه خواهد داشت. باید کاری کرد و پارلمان و مسوولین دست اول ما و افراد خیر خواه دارای امکانات عملی باید کاری کنند که مشکل در اساس حل شود و کلید اساسی را تهیه بدارند. برای مثال چند مطلب ذیل که تمرکز این سناتوران و مسوولین امور را بران می‌خواهیم:

اولتر از همه روشن ساختن اینکه مصالحه و تفاهم سیاسی با مخالفین مسلح و غیر مسلح چیست؟ ما در افغانستان کدام نوع نظام و دیموکراسی را خواهیم؟ ما از جهان و جامعه جهانی چه می‌خواهیم و جهان از ما چه می‌خواهد؟ و مطالب اساسی و کلیدی.

به فهم من آنچه در بیشتر از یک دهه در کشور ما تحت نام دیموکراسی، اقتصاد بازار آزاد، دولتداری و حکومتداری خوب، سیاست کدزی و سیاست منطقی و قومی و بلاخره مصالحه سیاسی صورت گرفته مفاهیم دقیق و حل کننده مسایل به صورت واقعی نبوده و نیست. اکثر مسایل به صورت غیر دقیق و ماستمالی شده و شکل غیر دقیق و نادرست مسایل روی دست گرفته شده و عملی شد. پروسه فریب و عدم اعتماد ادامه دارد و سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴م) به سرعت نزدیک میشود. ما وقت برای ضایع کردن نداریم. نباید با ضایع کردن فرصت های بیشتر را به نظامیان پاکستان بیشتر مهیا کرد. از شکر رنجی های خورد و تفاوت سلیقه بگذرید و مسایل اساسی کشور و امر صلح عادل و شامل متمرکز باید شد. این خیانت و جفا را نباید به حق ملت افغان باز داشت. مصالحه و تفاهم سیاسی بی هویت سازی نیست. مصالحه سیاسی توافق به هر قیمت هم نیست.

وضع کنونی در کشور چنین است که عده تاحدی در مورد نتایج تلاش های صلح نا امید اند و به رسیدن به توافق سیاسی کم باور و بی باور اند و یا مفاد شخصی خویش را تحقق آن نمی بینند. حالت یأس و ناامیدی مجاز نیست. مواضع خیر و امر صلح و تفاهم نیک افغانی را به مفهوم واقعی کلمه تعریف و بیان و منطق آن را عام ساختن ضرورت است. پارلمان کشور باید درین راستا نقش محوری داشته باشد.

مردم ما برحق ازین پنهان کاری ها و حالت سردرگمی حراس دارند. حراس دارند که معامله خاینانه سر ملت برای بقا در قدرت و یا رسیدن به قدرت به اساسی معامله خاینانه بدون انتخاب ملت صورت نه گیرد. سناتوران و مسوولین دست اول عوض تمرکز به رهایی و عدم رهایی چند سرکرده حرکت طالب باید به اساسی مسأله و برخورد پاکستان درین مسایل و حل اساسی این قضیه است. راه حل های کلیدی اساس است تا رهایی چندزندان. مسایل دارای اهمیت کلیدی در مسایل مانند روشن کردن تعاریف، حدود و ثغور صلح و ماهیت برخورد همسایه های طماع افغانستان، جمع و جور کردن خود و و امر صلح کامل و شامل اساس سخن و کار است. باید متمرکز شد که موانع تفاهمات سیاسی و مشکلات آن کدام های اند و راه حل چیست؟ این مسایل باید به صورت کلیدی حل شوند تا بحث بر سرزندان مشخص.

مصالحه و مذاکره سیاسی که ما به آن سخت محتاج ایم و ضرورت داریم باید به صورت عمده مانند یک پروسه اعتماد سازی، به این متمرکز باشد تا زندگی سیاسی متمدن شود. بجای تفنگ، باروت، تانک و انتحاری، اساس و انتخاب عقل، منطق و سخن انسانی برتریتب پیدا کند. لذا مصالحه و مذاکره سیاسی در واقعیت زمینه سازی برای گرفتن مشروعیت نسخه های خویش از مردم و انتخاب مردم. مردم ما مسلمان اند و انتخاب خویش رادارند. سناتوران و مسوولین دست اول باید به مسایل کلیدی متمرکز شوند. مصالحه، توافق و مذاکره سیاسی نه هم فریب یک دیگر و نه هم تلاش برای ادغام یک دیگر.

سازمان دهی و تمویل مجالس بین الافغانی توسط پارلمان افغانستان که ممد این پروسه تفاهم سیاسی شود باید از جانب پارلمان افغانستان به صورت عمده مساعدت شود.

کار وسیع و دوامدار برای نشست های بین الافغانی در داخل و خارج از کشور که حق انتخاب ملت را تعویض نه کرده و به جای ملت تصمیم نگیرند، ضرورت جدی است.

مصالحه و توافق سیاسی نه هم بی هویت سازی یکدیگر و نه هم قبول حتمی نسخه متقابل است. بحث و تمرکز بر قبول و عدم قبول نسخه یکدیگر در مرحله اعتماد سازی و توافق برای انتخاب مردم عدم درک عمق مسأله است. پافشاری درجای، محل و وقت و از جانب نامناسب است. مرجع قبول و عدم قبول نسخه مردم اند. و آنهای که در مجالس بین الافغانی بنا بر ملحوظات مختلف گرد هم آمده اند مانند آغاز کار ضرورت و قابل فهم خواهد بود اما نماینده منتخب مردم نیستند. ضرورت است عمق و بُعد این مسایل، حدود و ثغور آنرا پارلمان افغانستان روشن و به توافق برسند.

اگر دیموکراسی و نظام دیموکراتیک حاکمیت مردم، توسط مردم و برای خدمت و پرورش ارزشهای مردمی است. اول اینکه ارزشهای افغانی با بخش از ارزشهای جوامع دیگر فرق میکنند و دوم اینکه مراعات ارزشهای معین و توجه به تفاوت این ارزشهای در موارد معین را باید رعایت کرد و همان قسمیکه به نسخه های خویش معتقدیم که حق ماست، نباید آنرا بر دیگران تحمیل کرد. ما آرزو داریم دیگران با ما موافق باشند. اما آرزوی خویش را بر دیگران تحمیل کردن خطا است. مشکل در مرحله اعتقاد به راست بودن و برحق بودن نسخه های خویش نیست. ما باید به راست بودن نسخه های خویش باور داشته باشیم. این است مسایل که باید پارلمان افغانستان به کلید سازی متمرکز شود و درین راستا ابتکار عمل را بدست گیرد.

باید در چوکات متمدن توافق کنیم که ما زمانی حق تطبیق نسخه خویش را در مسایل کشور داریم که مشروعیت آن نسخه را از ملت بدست آوریم. مردم ما مسلمان اند و انتخاب یک مسلمان واضح است. نقش عالم و روحانی درین راستا نباید تعویض کننده ملت مسلمان باشد. حتی پیامبر اسلام محمد (ص) جانشین خویش را انتخاب نه کرد و سخن نهایی را به ملت مسلمان گذاشت.

با در نظر داشت تحلیل کوتاه فوق آنهای که در مسایل مذاکره و مفاهمه سیاسی بر پیش شرط های غیر از پیش شرط افغانیت، اسلامیت و انسانیت تأکید دارند، اولتیماتوم و تهدید را پیشه کرده اند و قبل از مراجعه به مردم در تلاش گرفتن مشروعیت نسخه های خویش از طرف های نشسته در کنفرانس و نشست افغانی اند به یقین خطا میکنند. این افراد و گروه ها عمق مطلب را درک نه کرده اند. باید روشن شود که مجلس بین الافغانی به مفهوم مصالحه و مفاهمه سیاسی در یک کشور به معنی تشکیل ائتلاف، اتحاد و حزب مشترک سیاسی و یا جبهه مشترک هم نیست.

بشریت در قرن بیست و یک برای اندازه گیری و مشروعیت نظریات خویش که آنرا در سطح کشور عملی کردن میخواهد باید از همین وسیله انتخاب و مراجعه به مردم کاریگیرد و امکان انتخاب دیگر مشکل و یا ناممکن است. الله تعالی در عالم اسباب در قرن حاضر همین را در اختیار ما قرار داده و انتخاب مسلمان روشن است که راه حق را انتخاب کند.

باید برای این مسایل کار عملی صورت گیرد که در افغانستان قوانین خوب تصویب و بدون معافیت بر هرکس تطبیق شوند.

مصالحه تطبیق عدالت و قانون بر همه یکسان است. تازمانیکه عدالت نباشد، صلح نیست. برای رسیدن این حالت باید پیگیر و استوار زمینه سازی کرد. این است کار پارلمان و دولت افغانستان. اینها اند نمونه های از مسایل کلیدی که پارلمان – سناتوران و افراد کلیدی کشور باید به آن متمرکز شوند. این نه به گریه میشود نه هم به زاری و نه هم با تلاش غیر علمی. حسبنا الله نعم المولی و نعم الوکیل.

پایان